

## شیخ محمد خالصی زاده و پیوند مبارزه با آرمان تقریب مذاهب اسلامی!

از مقاومت در برابر استعمار تا تلاش برای همگرایی مسلمانان

در تاریخ معاصر جهان اسلام، برخی عالمان دینی، مبارزه با استعمار و دفاع از استقلال جوامع اسلامی را از مسئله وحدت مسلمانان جدا نمی‌دانستند. از نگاه آنان، اختلاف و پراکندگی مسلمانان، تنها یک مسئله اعتقادی یا اجتماعی نبود؛ بلکه می‌توانست زمینه‌ساز تضعیف قدرت سیاسی، فرهنگی و تمدنی امت اسلامی شود. شیخ محمد خالصی زاده از جمله شخصیت‌هایی است که زندگی و فعالیت‌های او را می‌توان در پیوند میان مبارزه ضد استعماری، حضور اجتماعی روحانیت و تلاش برای تقویت همگرایی اسلامی بررسی کرد.

او که در خانواده‌ای علمی و مبارز در کاظمین پرورش یافت و در تحولات سیاسی عراق و ایران حضور مستقیم داشت، در طول زندگی خود با تبعید، زندان و محدودیت‌های سیاسی مواجه شد. با این حال، فعالیت‌هایش به مبارزات سیاسی محدود نماند و موضوعاتی همچون برگزاری کنگره اسلامی، رسیدگی به میراث مشترک مسلمانان و ارتباط با مراکز علمی و دینی نیز در حوزه دغدغه‌های او قرار گرفت. بررسی این ابعاد، تصویری از تقریب اسلامی ارائه می‌دهد که در آن، وحدت تنها در سطح سخن و توصیه اخلاقی باقی نمی‌ماند، بلکه با مسائل تاریخی، سیاسی، علمی و تمدنی جهان اسلام ارتباط پیدا می‌کند.

از تجربه مبارزه در عراق تا مواجهه با استعمار

شیخ محمد خالصی زاده در سال ۱۳۰۸ق در کاظمین متولد شد و تحصیلات دینی خود را نزد شماری از علمای برجسته زمان، از جمله آخوند خراسانی و میرزا محمدتقی شیرازی، دنبال کرد. پرورش در خانواده آیت‌الله شیخ محمد مهدی خالصی و برخورداری از تجربه علمی و اجتماعی، زمینه حضور او را در تحولات سیاسی عراق فراهم ساخت.

با آغاز جنگ جهانی اول و حمله نیروهای بریتانیا به عراق در سال ۱۹۱۴م، خالصی زاده در جبهه‌های مقاومت حضور یافت و در هماهنگی میان نیروهای مجاهد تحت رهبری علما و نیروهای نظامی عثمانی نقش ایفا کرد. پس از اشغال بغداد در سال ۱۹۱۷م نیز مبارزه را ادامه داد و تا پایان جنگ در صف مخالفان

این تجربه نظامی و سیاسی در سال‌های بعد، در فعالیت‌های او در نهضت عراق نمود بیشتری یافت. در اجتماع ۲۱ ژوئن ۱۹۲۰م در صحن حضرت عباس در کربلا، خطبه‌ای انقلابی ایراد کرد که در روایت ارائه‌شده از زندگی او، از عوامل آغاز قیام مسلحانه مردم عراق علیه بریتانیا دانسته شده است. در این مرحله، فعالیت او در کنار مراجع و رهبران دینی، نشان‌دهنده نقش روحانیت در پیوند دادن مقاومت اجتماعی با مطالبه استقلال سیاسی بود.

مواجهه خالص‌زاده با استعمار، از این منظر، صرفاً به حضور در میدان جنگ محدود نمی‌شد؛ بلکه مقابله با سازوکارهای سیاسی و حقوقی تثبیت سلطه خارجی را نیز دربرمی‌گرفت. مخالفت با قرارداد قیمومت بریتانیا بر عراق و اعتراض به سیاست‌هایی که از نظر او استقلال این کشور را محدود می‌کرد، از جمله محورهای مهم فعالیت‌های او و پدرش بود.

#### تبعید؛ استمرار فعالیت دینی و اجتماعی

در پی فعالیت‌های ضد استعماری و مخالفت با سیاست‌های بریتانیا در عراق، خالص‌زاده در سال ۱۳۰۱ش از این کشور اخراج شد و به ایران آمد. زندگی او در ایران نیز با آزادی کامل سیاسی همراه نبود و طی حدود ۲۷ سال، در شهرهایی همچون کرمانشاه، قصرشیرین، تهران، خواف، مشهد، تویسرکان، نهاوند، کاشان و یزد، در تبعید، زندان یا اقامت اجباری به سر برد.

با وجود این محدودیت‌ها، فعالیت‌های او در عرصه عمومی متوقف نشد. تأسیس «جمعیت نمایندگان عالی بین‌النهرین» در تهران و انتشار کتاب مطالب انگلیس در بین‌النهرین، از اقداماتی بود که در راستای انعکاس وضعیت عراق و افشای سیاست‌های بریتانیا صورت گرفت. همچنین سخنرانی‌های او در مسجد سلطانی تهران، به بستری برای طرح مسائل سیاسی و اجتماعی و ارتباط با گروه‌هایی از مردم تبدیل شد.

مواجهه او با طرح جمهوریت رضاخانی و مخالفت با سیاست‌های حکومت پهلوی نیز بخشی از این مسیر بود. با این‌حال، ارزیابی دقیق نقش او در تحولات سیاسی ایران، نیازمند بررسی مستقل اسناد تاریخی، گزارش‌های مطبوعاتی و خاطرات مرتبط است. آنچه در چارچوب بحث حاضر اهمیت دارد، این است که فعالیت اجتماعی و سیاسی خالص‌زاده در شرایط فشار و محدودیت، از دغدغه‌های دینی و فراملی او جدا نبود.

## وحدت اسلامی؛ فراتر از یک شعار

یکی از جنبه‌های قابل توجه در زندگی خالصی‌زاده، توجه او به مسائل مشترک مسلمانان و ضرورت تقویت همکاری میان جوامع اسلامی است. این توجه را می‌توان در پیشنهاد برگزاری کنگره اسلامی در تهران، با حضور سران کشورهای اسلامی، مشاهده کرد. هدف چنین پیشنهادی، بررسی مشکلات جهان اسلام و ایجاد زمینه‌ای برای گفت‌وگو و همکاری میان کشورهای مسلمان بود.

اهمیت این ایده را می‌توان در بستر تاریخی آن بررسی کرد. در دوره‌ای که کشورهای اسلامی با پیامدهای جنگ جهانی اول، مداخلات قدرت‌های خارجی، تغییر ساختارهای سیاسی و تضعیف استقلال مواجه بودند، ایجاد سازوکارهایی برای گفت‌وگو و همفکری میان دولت‌ها و نخبگان مسلمان می‌توانست به یکی از موضوعات مهم اندیشه سیاسی اسلامی تبدیل شود.

البته میان طرح ایده کنگره اسلامی و تحقق نهادی آن فاصله وجود دارد. از این‌رو، برای ارزیابی دقیق‌تر پیشنهاد خالصی‌زاده، باید متن نامه‌ها، مخاطبان، زمان‌بندی اقدامات و میزان پیگیری عملی آن بررسی شود. با این‌حال، اصل توجه به ایجاد یک مجمع مشترک میان مسلمانان، نشان می‌دهد که مسئله وحدت در اندیشه و فعالیت او می‌توانست در قالب سازوکارهای سازمان‌یافته و بین‌کشوری نیز مطرح شود.

### بقیع و میراث مشترک مسلمانان؛ وحدت در عرصه تمدنی

از دیگر اقدامات منسوب به خالصی‌زاده، نامه‌نگاری با مسئولان عربستانی برای تعمیر قبرستان بقیع در مدینه منوره است. این موضوع را می‌توان در چارچوب توجه به میراث تاریخی و دینی مسلمانان بررسی کرد؛ میراثی که فراتر از مرزبندی‌های مذهبی، بخشی از حافظه تاریخی و تمدنی جهان اسلام به شمار می‌رود.

بقیع، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مکان‌های تاریخی مدینه، در حافظه دینی مسلمانان جایگاهی ویژه دارد. پرداختن به وضعیت آن، در کنار دیگر موضوعات مرتبط با اماکن مقدس و آثار اسلامی، می‌تواند نشانه‌ای از توجه به حفاظت از میراث مشترک مسلمانان باشد.

از منظر تقریب مذاهب، حفاظت از میراث تاریخی و دینی، زمانی می‌تواند به یک ظرفیت همگرایی تبدیل

شود که با شناخت دقیق جایگاه این آثار در سنت‌های مختلف اسلامی، گفت‌وگو میان نهادهای دینی و فرهنگی و پرهیز از رویکردهای انحصارگرایانه همراه باشد. در این چارچوب، اقدام خالصی‌زاده درباره بقیع، موضوعی شایسته بررسی در تاریخ دغدغه‌های تمدنی و وحدت‌گرایانه عالمان مسلمان است؛ هرچند جزئیات تاریخی و میزان تحقق آن نیازمند مراجعه به اسناد اصلی است.

## علم و نهادهای دینی؛ بنیان‌های همکاری اسلامی

در فهرست اقدامات خالصی‌زاده، فعالیت برای احیای حوزه علمیه مشهد و مشارکت در تنظیم و فهرست‌برداری منابع خطی کتابخانه آستان قدس رضوی نیز ذکر شده است. این دو موضوع، وجه دیگری از فعالیت‌های او را نشان می‌دهد که به حفظ و تقویت زیرساخت‌های علمی و دینی مربوط می‌شود.

حوزه‌های علمی و کتابخانه‌های دینی در تاریخ جهان اسلام، صرفاً مراکز آموزش یا نگهداری کتاب نبوده‌اند؛ بلکه در انتقال دانش، حفظ متون، ارتباط میان عالمان و استمرار سنت‌های علمی نقش داشته‌اند. از این منظر، احیای نهادهای علمی و سامان‌دهی منابع خطی را می‌توان در نسبت با تقویت سرمایه علمی و فرهنگی جهان اسلام بررسی کرد.

با این‌حال، نباید هر اقدام علمی یا کتابخانه‌ای را بدون بررسی اسناد و انگیزه‌های مستقیم آن، به‌طور قطعی پروژه‌ای تقریبی تلقی کرد. نسبت دادن این فعالیت‌ها به آرمان وحدت، نیازمند شناخت دقیق‌تر دیدگاه‌های خالصی‌زاده درباره همکاری علمی میان مذاهب، مخاطبان اقدامات او و نتایج عملی این فعالیت‌هاست. این تمایز، برای نگارش تاریخی دقیق و پرهیز از تعمیم‌های اثبات‌نشده ضروری است.

## تقریب اسلامی؛ از همدردی تاریخی تا همکاری عملی

زندگی شیخ محمد خالصی‌زاده را می‌توان از زاویه دیگری نیز مطالعه کرد: نسبت میان تجربه رنج و سرکوب سیاسی و توجه به مسائل عمومی مسلمانان. او در طول سال‌های تبعید و محدودیت، تنها با مسئله شخصی آزادی و بازگشت به وطن مواجه نبود؛ بلکه در روایت موجود، موضوعاتی از قبیل مشکلات جهان اسلام، وضعیت اماکن دینی و نهادهای علمی را نیز پیگیری می‌کرد.

این رویکرد، امکان طرح یک پرسش اساسی را فراهم می‌سازد: آیا وحدت اسلامی باید صرفاً در سطح توافقی‌های اعتقادی و توصیه‌های اخلاقی دنبال شود، یا می‌تواند در قالب همکاری‌های علمی، فرهنگی،

پاسخ به این پرسش در تجربه تاریخی خالصی<sup>۱</sup>زاده، نیازمند مطالعه اسناد و نوشته‌های اوست؛ اما اقدامات ذکرشده در منابع موجود، زمینه‌ای برای بررسی این مسئله فراهم می‌کند. برگزاری کنگره اسلامی، پیگیری وضعیت بقیع، توجه به حوزه‌های علمیه و مشارکت در سامان‌دهی منابع خطی، هر یک حوزه‌ای متفاوت را دربرمی‌گیرند که می‌توانند در چارچوب یک نگاه گسترده‌تر به همکاری میان مسلمانان بررسی شوند.

در این برداشت، تقریب مذاهب به معنای نادیده گرفتن تفاوت‌های اعتقادی یا حذف تنوع سنت‌های اسلامی نیست؛ بلکه به معنای شناسایی حوزه‌های اشتراک و ایجاد امکان همکاری در موضوعاتی است که به منافع عمومی، میراث مشترک، دانش و آینده جوامع مسلمان مربوط می‌شوند. البته اینکه خالصی<sup>۱</sup>زاده در همه این حوزه‌ها از یک نظریه منسجم و صورت‌بندی‌شده درباره تقریب پیروی می‌کرده است، باید با مطالعه آثار و مکاتبات او مشخص شود.

### بازخوانی میراث خالصی<sup>۱</sup>زاده در روزگار کنونی

اهمیت مطالعه شخصیت‌هایی مانند شیخ محمد خالصی<sup>۱</sup>زاده، تنها به ثبت شرح‌حال آنان در تاریخ معاصر محدود نمی‌شود. بازخوانی فعالیت‌های این عالمان می‌تواند به شناخت تنوع رویکردهای اسلامی در مواجهه با استعمار، استقلال سیاسی، نهادهای علمی و روابط میان مسلمانان کمک کند.

بااین‌حال، استفاده از این میراث تاریخی برای مسائل امروز، مستلزم پرهیز از دو رویکرد افراطی است: نخست، تقلیل شخصیت به یک چهره صرفاً سیاسی و نادیده گرفتن فعالیت‌های علمی و دینی او؛ و دوم، تبدیل تمام اقدامات او به الگوی آماده و بی‌نیاز از تحلیل تاریخی. مطالعه انتقادی منابع، تفکیک گزارش‌های مستند از روایت‌های نیازمند بررسی و توجه به شرایط تاریخی هر اقدام، می‌تواند تصویری دقیق‌تر از جایگاه او ارائه دهد.

در این میان، پرسش درباره نسبت میان مبارزه ضد استعماری و تقریب مذاهب اسلامی، اهمیت ویژه‌ای دارد. آیا مقاومت در برابر سلطه خارجی می‌توانست انگیزه‌ای برای همکاری گسترده‌تر مسلمانان ایجاد کند؟ چه ظرفیت‌هایی برای همکاری میان نهادهای دینی، علمی و اجتماعی وجود داشت؟ و تا چه اندازه پیشنهادها و اقدامات عالمانی مانند خالصی<sup>۱</sup>زاده به ساختارهای پایدار همکاری اسلامی منجر شد؟ این

پرسش‌ها، مسیرهایی برای پژوهش تاریخی و تحلیل نهادی در زمینه تقریب مذاهب فراهم می‌کنند.

## جمع‌بندی

شیخ محمد خالصی‌زاده را می‌توان از جمله عالمانی دانست که زندگی او در تقاطع دانش دینی، مبارزه سیاسی، مقاومت ضد استعماری و دغدغه‌های مرتبط با جهان اسلام قرار داشت. پیشنهاد برگزاری کنگره اسلامی، پیگیری تعمیر بقیع و فعالیت در حوزه‌های علمی و فرهنگی، در کنار تجربه مبارزات او در عراق و ایران، مجموعه‌ای از موضوعات را برای بررسی نسبت میان استقلال، میراث اسلامی و همگرایی مسلمانان پیش روی پژوهشگران قرار می‌دهد.

بررسی این میراث، زمانی می‌تواند به شناختی معتبر از تاریخ تقریب مذاهب کمک کند که بر پایه اسناد، آثار مکتوب و تحلیل شرایط تاریخی انجام شود. در چنین رویکردی، آرمان وحدت اسلامی نه یک مفهوم منفصل از واقعیت‌های سیاسی و تمدنی، بلکه موضوعی است که می‌توان آن را در پیوند با نهادسازی، همکاری علمی، حفاظت از میراث مشترک و مواجهه با چالش‌های جهان اسلام مطالعه کرد.

## منبع

اسلام دباغ (تدوین)، رسائل سیاسی آیت‌الله شیخ محمد خالصی‌زاده، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.